

تفسیر سوره

ملک

سیمای سوره ملک

سوره ملک، آغازین سوره جزء بیست و نهم قرآن کریم است. این سوره از سوره‌های مکّی و دارای سی آیه می‌باشد. نام دیگر این سوره، «تبارک» است. «ملک» و «تبارک»، هر دو برگرفته از آیه اول است و به ترتیب به معنای «فرمانروایی» و «پربرکت» می‌باشند.

محتوای این سوره به طور کلی شامل سه محور زیر است:

- ۱- مباحثی در مورد مبدأ هستی، صفات خداوند، نظام شگفتانگیز خلق، آفرینش هستی و انسان و ابزارهای انسان برای شناخت.
- ۲- بحث هایی درباره معاد، عذاب دوزخ و گفتگوی جهنمیان در قیامت.
- ۳- تهدید کافران و ظالمان به عذاب‌های دنیوی و اخروی.

این سوره از پرفضیلت‌ترین سوره‌های قرآن است و روایات زیادی در مورد فضیلت قرائت این سوره از پیامبر اکرم ﷺ و ائمه اطهار ﷺ در این خصوص نقل شده است. از جمله در روایتی از پیامبر گرامی اسلام ﷺ می‌خوانیم: کسی که سوره «تبارک» را بخواند، مانند کسی است که شب قدر را احیا داشته است: «من فرأُ سورة تباركَ فكأنما احيَا ليلة القدر»

و نیز در روایت دیگری فرمود: دوست داشتم که سوره تبارک در قلب همه مؤمنان ثبت بود: «وَدَدْتُ أَنْ تَبَارَكَ الْمَلِكُ فِي قَلْبِ كُلّ مُؤْمِنٍ»^(۱)

۱. تفسیر مجتمع البیان.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

﴿۱﴾ تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

﴿۲﴾ الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلاً وَهُوَ

الْعَزِيزُ الْغَفُورُ

مايه خير و برکت است آن (خدای) که فرمانروایی به دست اوست و او بر هر چیزی تواناست. او که مرگ و حیات را آفرید تا شما را بیازماید که کدامیک از شما کار بهتری انجام می‌دهید و اوست عزّتمند و آمرزنده.

نکته‌ها:

- علاوه بر این سوره، سوره فرقان نیز با کلمه «تبارک» آغاز شده است.
- «تبارک» از مصدر «برکت» به معنای خیر پایدار است. به محلی که در آن آب جمع می‌شود، «برکه» می‌گویند.
- هدف از آفرینش انسان چیست؟
پاسخ: قرآن چهار هدف را برای آفرینش انسان بیان کرده است:
 (الف) عبادت کردن. در قرآن می‌خوانیم: ما جن و انس را جز برای عبادت نیافریدیم. ﴿وَ مَا خلقتُ الْجِنَّ وَالْأَنْسَ الَّذِي يَعْبُدُونَ﴾^(۱)
 (ب) انتخاب راه صواب از ناصواب و رسیدن به رشد و کمال در سایه آزمایش‌های الهی: ﴿خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ﴾
 (ج) آبادی و عمران زمین. قرآن می‌فرماید: خداوند شما را از زمین آفرید و شما را بر آبادی آن گماشت: «هُوَ انشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرْكُمْ فِيهَا»^(۲)
 (د) رحمت بر مردم. قرآن هدف دیگر خلقت را رحمت خاص خداوند بر مردم ذکر می‌کند و

می فرماید: (انسانها) برای آن آفریده شدند که به رحمت خاص خداوند هدایت شوند: ﴿اَلَا
مِنْ رَحْمَةِ رَبِّكَ وَلَذِكْ خَلَقْهُمْ﴾^(۱)

□ کار «حسَن» و نیک چه شرایطی دارد؟

کار نیک، کاری است که از نظر هدف، زمان، مکان، ضرورت، تداوم، ابزار مورد استفاده، همکاران، بهره گیران، استقامت در کار، استحکام، نظم، آینده نگری در عمل، اولویت‌های مورد نیاز، نشاط، اعتدال، دقّت، سرعت و سلامت کار، مورد سنجش و برنامه ریزی قرار گرفته باشد و به دور از آفت‌های عجب، حبط، ریا و سمعه انجام پذیرد.

□ خداوند متعال هم در دنیا حکومت دارد: ﴿بِيَدِهِ الْمَلْك﴾ و هم در آخرت حاکم است. ﴿الْمَلْكُ
يَوْمَئِذٍ لِلَّه﴾^(۲)

□ خداوند، حاکم بیگانه است: ﴿لَمْ يَكُنْ لِهِ شَرِيكٌ فِي الْمَلْك﴾^(۳)، ﴿بِيَدِهِ الْمَلْك﴾ و حکومت او همراه با قداست است. ﴿الْمَلَكُ الْقَدُّوسُ﴾^(۴)

□ جلوه‌های برکت خداوند هم در تکوین و آفرینش وجود دارد: ﴿تَبَارَكَ الَّذِي بَيْدَهُ الْمَلَكُ...
خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ﴾ و هم در تشریع و قانون‌گذاری. ﴿تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ﴾^(۵)

□ امام صادق علیه السلام ذیل آیه فرمود: مراد عمل بیشتر نیست، بلکه مراد بهترین عمل است و آن انجام عمل است همراه با خشیت الهی و نیت صادق و نیکوکاری.^(۶)

پیام‌ها:

۱- گرچه قرآن درباره خودش و پیامبری که بر وی نازل شده، کلمه «تبارک» را به کار برده است، ولی سرچشمه تمام برکات، خداوند و قدرت اوست. ﴿تَبَارَكَ
الَّذِي بَيْدَهُ الْمَلَكُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾

۲- تمام قدرت‌ها و حکومت‌ها از بین رفتی هستند، تنها حکومت خداوند ابدی است. ﴿بِيَدِهِ الْمَلْكُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾

۳. فرقان، ۲.

۲. فرقان، ۵۶.

۱. هود، ۱۱۹.

۶. کافی، ج ۲، ص ۱۶.

۵. فرقان، ۱.

۴. جمعه، ۲.

- ۳- حکومت‌های دنیا، جزیی، موقّت و محدود است و لذا برکت گستردۀ ای ندارد. «تبارک الّذی بیده الملک»
- ۴- تقدیر مر و حیات، جلوه‌ای از حاکمیّت مطلق خداوند است. «بیده الملک... خلق الموت والحياة»
- ۵- حاکمان دنیایی، در همه امور قدرت ندارند، ولی خداوند حاکم و بر همه چیز قادر است. «بیده الملک و هو علی کل شیء قادر»
- ۶- مر به معنای فنا و نابودی نیست، بلکه امری وجودی است که آفریده شده و آن انتقال از این دنیا به دنیای دیگر است. «خلق الموت»
- ۷- آفرینش مر، آزمایشی برای ظهر صبر، و آفرینش حیات، آزمایشی برای ظهر شکر است. «خلق الموت والحياة لبیلوكم»
- ۸- آفریده‌ها همه هدفمندند و هیچ چیز، عبث آفریده نشده است و خداوند انسان را برای تکامل انتخابی آفریده است. «لبیلوكم»
- ۹- جوهره انسان در لابلای گرفتاری‌ها و تlux و شیرینی‌ها روشن می‌شود. «خلق الموت والحياة لبیلوكم»
- ۱۰- آزمایش الهی برای مشخص شدن علم خداوند نیست، زیرا او همه چیز را از قبل می‌داند؛ بلکه برای آن است که عملی از ما صادر شود. «لبیلوكم ایکم احسن عملاً» (مثل استادی که معلومات شاگردش را می‌داند ولی او را امتحان می‌کند تا استحقاق نمره شاگرد جلوه کند).
- ۱۱- ملاک عمل، کیفیّت است نه کمیّت. «احسن عملاً» (نه «اکثر عملاً»)
- ۱۲- آزمایش الهی همیشگی و برای همه است. «لبیلوكم» (نشان استمرار است)
- ۱۳- به خوب بودن کار، قانع نباشیم، باید بهترین کار انجام شود. «احسن عملاً»
- ۱۴- تنها حکومت و قدرت خدا شکست ناپذیر است. «بیده الملک... قدير... هو العزيز»
- ۱۵- عزّت و قدرت خداوند همراه با رأفت و رحمت است. «العزيز الغفور»
- ۱۶- از شکست در آزمایش‌های الهی مأیوس نشویم، که او بخشنده است. «الغفور»

﴿٣﴾ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا مَا تَرَى فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ
مِن تَفَاقُتٍ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَى مِنْ فُطُورٍ ﴿٤﴾ ثُمَّ أَرْجِعِ
الْبَصَرَ كَرَتِينِ يَنْقَلِبُ إِلَيْكَ الْبَصَرُ حَاسِئًا وَهُوَ حَسِيرٌ

همان کسی که هفت آسمان را طبقه طبقه آفرید. در آفرینش خداوند رحمان هیچ
خلالی نمی‌بینی. بار دیگر دیده باز کن، آیا هیچ شکافی می‌بینی؟ باز، پی در پی
چشم خود را برگردان (و تماشا کن، خواهی دید که) چشم در حالی که خسته و
ناتوان است به سوی تو بازمی‌گردد (بدون آن که نقص و خللی مشاهده کند).

﴿٥﴾ وَلَقَدْ زَيَّنَّا السَّمَاوَاتِ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ وَجَعَلْنَاهَا رُجُومًا
لِلشَّيَاطِينِ وَأَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابَ السَّعِيرِ

و همانا ما آسمان دنیا را با چراغ‌هایی زینت دادیم و آن را وسیله راندن
شیاطین قرار دادیم و برای آنها عذاب فروزان آماده کردیم.

نکته‌ها:

- «طباق»، یا مصدر «طبق» یا جمع «طبق» است؛ در صورت اول «سبع سماوات طباق» به معنای آن است که آسمان‌ها متناسب و مطابق یکدیگرند و در صورت دوم به معنای آن است که آسمان‌ها هفت طبقه بر فراز یکدیگرند.
- «تفاوت» از «فوت» به معنای بروز اختلال و ناهماهنگی و «فُطُور» به معنای شکاف از طول است. «خاسئًا» به معنای خسته و ناکام و «حسیر» به معنای ناتوان است.
- تلخی‌ها و کمبودها در نزد انسان‌های سطحی ناگوار به نظر می‌آید و گرنم محققان به هر چیز با دیده مثبت می‌نگرند. ترشی و فلفل برای کودک ناگوار است، ولی برای والدین او، ترشی به اندازه مرتبه ارزشمند است.
- «صبح» از «صبح»، وسیله‌ای است که شب را همانند صبح، روشن کند، مانند چراغ.
- در این آیات، سه تعبیر در مورد ستارگان آسمان آمده است. ۱. مصباح و چراغ؛ ۲. زینت و

جلوه؛ ۳. رجم شیاطین.

□ در آیات هفتم و هشتم سوره صافات خواندیم که شیطان‌ها برای استراق سمع و شنود اخبار آسمان، قصد نفوذ به آن جا را دارند ولی هر بار مورد هدف قرار می‌گیرند و رانده می‌شوند و این گونه ستارگان وسیله حفظ آسمان هستند.

پیام‌ها:

- ۱- نظام آفرینش بر اساس رحمت خداوند است. «فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ»
- ۲- نظام موجود، نظام احسن است و در نظام آفرینش، هیچ نقص و کمبودی وجود ندارد. «مَا تَرَى فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِنْ تَفَاوْتٍ»
- ۳- خداشناسی باید بر اساس نظر و دقت باشد، تا ایمان انسان به عظمت هستی و قدرت آفریدگار بیشتر شود. «فَارْجَعُ الْبَصَرِ... ثُمَّ ارْجِعُ الْبَصَرِ»
- ۴- برای کسب معرفت، یک بار دیدن و نظر کردن کافی نیست. «فَارْجَعُ الْبَصَرِ... ثُمَّ ارْجِعُ الْبَصَرَ كَرِّتَيْنِ» (در این آیه کلمه «تری» دو بار و کلمه «بصر» سه بار همراه با لفظ «کرتین» تکرار شده است).
- ۵- خداوندی که کار خود را محکم و حکیمانه انجام داده است، از دقت نظر دیگران نگران نیست، بلکه دیگران را به بازدید دعوت می‌کند. «فَارْجَعُ الْبَصَرِ... ثُمَّ ارْجِعُ الْبَصَرِ»
- ۶- خداوند از آفریدن خسته نمی‌شود: «وَ مَا مَسَّنَا مِنْ لَغْوٍ»^(۱) ولی چشم ما از نگاه به آفریده‌های او خسته می‌شود. «يَنْتَهِي الْبَصَرُ خَاسِئًا وَ هُوَ حَسِيرٌ»
- ۷- زینت، یکی از خواسته‌های فطری بشر است. (یکی از نعمت‌های ستارگان، زینت بودن آنها شمرده شده است. «زَيَّنَنَا السَّمَاوَاتُ الدُّنْيَا»)
- ۸- آفریده‌های الهی در عین استواری و استحکام، «سَبْعًا شَدَادًا»^(۲) از زینت ویژه‌ای برخوردارند. (در معماری علاوه بر استحکام ساختمان، زیبایی نمای

بنا نیز باید مورد توجه باشد.) «زَيْنَا السَّمَاوَاتِ الدُّنْيَا»

۹- آفریده‌های الهی دارای کاربردهای گوناگونی هستند. «مصابیح - رجوماً»

۱۰- در برابر دشمن نباید انفعالی برخورد کرد؛ برخورد ما با دشمن باید تهاجمی باشد. «رجوماً للشَّيَاطِينَ»

۱۱- شیاطین به آسمان‌ها نیز طمع دارند. «رجوماً للشَّيَاطِينَ»

۱۲- شیاطین، ضربه پذیرند. «رجوماً للشَّيَاطِينَ»

﴿۶﴾ وَلِلَّذِينَ كَفَرُوا أَبْرَيْهِمْ عَذَابٌ جَهَنَّمَ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ﴿۷﴾ إِذَا

أُلْقُوا فِيهَا سَمِعْوَالَهَا شَهِيقًا وَهِيَ تَفُورُ ﴿۸﴾ تَكَادُ تَمَيَّزُ مِنَ

الْغَيْظِ كُلَّمَا أُلْقِيَ فِيهَا فَوْجٌ فَوْجٌ سَأَلَهُمْ خَرَنَتْهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ

و برای کسانی که به پروردگارشان کفر ورزند عذاب جهنم است که بد

بازگشتگاهی است. هنگامی که به دوزخ پرتاپ شوند، خروش نابهنجار آن

را می‌شنوند در حالی که جوشش و فوران دارد. نزدیک است از شدت

خشم، پاره پاره شود، هرگاه گروهی در آن افکنده شوند، نگهبانان دوزخ

از آنان پرسند: آیا هشدار دهنده‌ای به سراغ شما نیامد؟

نکته‌ها:

◻ «الْقَوَا» از «القاء» به معنای پرتاب شدن بدون اختیار است.

◻ «شَهِيق» به زشتترین و ناخوشایندترین صداها، همچون صدای گوش خراش خران گفته می‌شود. «تَفُور» از فوران، بیانگر شعله‌های عظیم دوزخ است که می‌جوشد و بالا می‌آید.

◻ صدای ناخوشایند «شَهِيق» ممکن است از خود دوزخ باشد، «هَا شَهِيق» و ممکن است از اهل دوزخ باشد، چنانکه در آیه ۱۰۶ سوره هود می‌خوانیم: «لَمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَ شَهِيقٌ»

پیام‌ها:

۱- غضب و غیظ، گاهی به حد انفجار می‌رسد. «تَكَادُ تَمَيَّزَ مِنَ الْغَيْظِ»

- ۲- دوزخیان، به درون آتش پرتاب می‌شوند. «القوا فیها»
- ۳- عذاب جهنم، همراه با تحفیر است: «القوا فیها»، گوش خراش است: «سمعوا لها شهیقا» و همراه با سؤال توبیخ است. «سألهم خرنتها»
- ۴- عذاب الهی بعد از اتمام حجت است. «اللهم يأتكم نذیر»

﴿۹﴾ قَالُوا بَلَىٰ قَدْ جَاءَنَا نَذِيرٌ فَكَذَبْنَا وَقُلْنَا مَا نَزَّلَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ
إِنَّ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ كَبِيرٍ ﴿۱۰﴾ وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا
كُنَّا فِيٰ أَصْحَابِ السَّعِيرِ ﴿۱۱﴾ فَاعْتَرَفُوا بِذَنْبِهِمْ فَسُخْقًا
لِأَصْحَابِ السَّعِيرِ

گویند: چرا، همانا هشداردهنده به سراغ ما آمد، ولی ما تکذیب کردیم و گفتیم:
خداآند چیزی نازل نکرده است و شما جز در گمراهی بزرگی نیستید. و گویند:
اگر ما (حق را) می‌شنیدیم یا تعقل می‌کردیم، در زمرة اهل آتش نبودیم، پس به
گناه خود اعتراف نمایند، پس لعنت بر اهل آتش بار.

نکته‌ها:

- در این سه آیه، به سه اعتراف کافران در قیامت اشاره شده است:
 - الف) اعتراف به آمدن انبیا و تکذیب آنان. «بلی قد جاءنا نذیر فکذبنا»
 - ب) اعتراف به عدم تعقل و استماع سخن حق. «لو كننا نسمع او نعقل»
 - ج) اعتراف به ارتکاب گناه. «فاعترفوا بذنبهم»
- در آیه ۲۶ سوره فصلت می‌خوانیم که مخالفان می‌گفتند: «لا تسمعوا لهذا القرآن» به این
قرآن گوش فراندند و لی در آن روز خواهند گفت: ای کاش گوش می‌دادیم. «لو كننا نسمع»

پیام‌ها:

- ۱- خداوند که هدفش تکامل معنوی انسان است باید رهبر آسمانی بفرستد
و گرنه این هدف عملی نمی‌شود. «قالوا بلى قد جاءنا نذیر»

- ۲- نتیجه انکار عمدی و آگاهانه دین دوزخ است. «القوا فيها... جاءنا نذير فكذبنا»
- ۳- خلافکار کار خود را توجیه می‌کند. (کافران برای توجیه تکذیب خود می‌گفتند: اصلاً خدا چیزی نازل نکرده است). «فَكَذَّبُنَا وَقَلَّنَا مَا نَزَّلَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ»
- ۴- ریشه تکذیب، عدم تعلّق است. «كَذَّبُنَا... لَوْ كَنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقَلُ» (تعالیم اسلام مطابق با عقل است، اگر تعقل می‌کردیم مؤمن می‌شدیم).
- ۵- عقل واقعی آن است که انسان حق را بشنود، بپذیرد و پیروی کند تا از قهر الهی خود را نجات دهد. «لَوْ كَنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقَلُ مَا كُنَّا فِي الصَّابِرِينَ»
- ۶- روحیه لجاجت به جایی می‌رسد که گمراهان، به پیامبران الهی نسبت گمراهی می‌دهند، آنهم گمراهی بزر ! «إِنَّكُمْ أَنْهَىَنَّا إِلَى ضَلَالٍ كَثِيرٍ»
- ۷- اعتراف به گناه در دنیا ممکن است سبب عفو شود ولی در آخرت هرگز. «فَاعْتَرُفُوا بِذَنْبِهِمْ... الصَّابِرِينَ»
- ۸- کفار در قیامت هم شکنجه جسمی می‌شوند: «الصَّابِرِينَ»، هم شکنجه روحی. «سُحْقًا» (دور بودن از رحمت الهی)

﴿۱۲﴾ إِنَّ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ بِالْغَيْبِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ
 ﴿۱۳﴾ وَأَسِرُّوا قَوْلَكُمْ أَوْ أَجْهَرُوا بِهِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الْصُّدُورِ
 ﴿۱۴﴾ أَلَا يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ وَهُوَ الْلَّطِيفُ الْخَبِيرُ

همانا کسانی که از پروردگارشان در نهان می‌ترسند، برایشان آمرزش و پاداشی بزرگ است. گفتارتان را پنهان کنید یا آشکار سازید، (تفاوتی ندارد) همانا او به آنچه در سینه هاست آگاه است. آیا کسی که آفرید، (از حالات آفریده خود آگاه نیست؟) در حالی که او باریک بین و آگاه است.

نکته‌ها:

- ▣ طبق روایتی از تفسیر نورالثقلین امام رضا علیه السلام فرمود: مراد از لطیف، کوچکی و نازکی نیست، بلکه مراد آن است که علم خدا در اشیا نفوذ دارد ولی درک او از سوی دیگران ممتنع است.

پیام‌ها:

- ۱- در شیوه تربیت باید توبیخ بدان و تشویق خوبان در کنار هم باشد تا مورد مقایسه قرار گیرد. (آیات قبل سخن از کیفر دوزخیان بود و این آیه از بهشتیان سخن می‌گوید). «إِنَّ الَّذِينَ يَخْشُونَ رَبَّهِمْ»
- ۲- خشیت از خداوند زمانی کارساز است که دائمی باشد. «يَخْشُونَ» فعل مضارع و نشانه استمرار است.
- ۳- پاک شدن از گناهان، زمینه دریافت الطاف الهی است. «لَمْ مَغْفِرَةٌ وَاجْرٌ كَبِيرٌ»
- ۴- تقوی و خشیت واقعی آن است که انسان در درون خود نیز از خدا پروا داشته باشد و گرنه تقوای ظاهری، تظاهری بیش نیست. «يَخْشُونَ رَبَّهِمْ بِالْغَيْبِ»
- ۵- ریا و نفاق را کنار بگذاریم که خدا به باطن‌ها آگاه است. «عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ»
- ۶- پنهان بودن، در علم عمیق خداوند اثری ندارد. او تمام نیت‌ها و راز دل‌ها را می‌داند. «إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ» («علیم» نشانه علم عمیق و گسترده است).
- ۷- علم خداوند به مخلوقات، به خاطر خالقیت اوست. (کسی که چیزی را ساخته و آفریده، از حالات آفریده خود آگاه است). «إِلَّا يَعْلَمُ مِنْ خَلْقِهِ»
- ۸- ایمان به علم خداوند، بهترین عامل بازدارنده از نفاق و نهان کاری است. «اسْرَواْ قَوْلَكُمْ أَوْ جَهِرُواْ بِهِ... إِلَّا يَعْلَمُ...»

﴿۱۵﴾ هُوَ أَنَّى جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذَلِيلًا فَامْشُوا فِي مَنَابِكُهَا وَ
كُلُّا مِنْ رِزْقِهِ وَإِلَيْهِ النُّشُورُ

اوست که زمین را برای شما رام ساخت، پس در شانه‌های آن رفت و آمد کنید و از رزق الهی بخورید (و بدانید که) برانگیخته شدن فقط به سوی اوست.

نکته‌ها:

- «منک» به معنای شانه است و شانه بهترین عضو برای قرارگرفتن بار بر روی آن است. شانه زمین، یعنی قسمت‌هایی از زمین که بار رزق شما بر آن است.

▣ زمین رام انسان است و با وجود چند نوع حرکت مختلف، آرام است. اگر به طور دائم زمین گرفتار زلزله یا آتشفسان بود، یا فاصله زمین با خورشید دورتر و یا نزدیکتر بود و یا هریک از محاسبات موجود بر زمین حاکم نبود، زمین برای انسان رام نبود. «جعل لكم الارض ذلولاً»

پیام‌ها:

۱- خداوند، زمین را رام ساخته تا امکان تلاش و کوشش بشر بر روی آن فراهم باشد. «جعل لكم الارض ذلولاً فامشواف مناكها»

۲- رزق از سوی خداوند است ولی برای بدست آوردن آن تلاش لازم است. «فامشواف مناكها وكلوا من رزقه»

۳- هستی در حال حرکت و رو به تکامل است:

طبیعت برای انسان. «جعل لكم الارض ذلولاً»

انسان برای تلاش. «فامشواف مناكها»

تلاش برای رزق. «كلوا من رزقه»

دنیا برای آخرت. «اليه النشور»

۴- کامیابی‌های دنیا نباید سبب غفلت از قیامت شود. «كلوا... و اليه النشور»

﴿۱۶﴾ ءأَمِنْتُ مَنْ فِي السَّمَااءِ أَنْ يَخْسِفَ بِكُمْ أَلْأَرْضَ فَإِذَا هِيَ

تَمُورٌ ﴿۱۷﴾ أَمْ أَمِنْتُ مَنْ فِي السَّمَااءِ أَنْ يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا

فَسَتَعْلَمُونَ كَيْفَ نَذِيرٍ

آیا خود را از (قهر) کسی که در آسمان است، ایمن می‌دانید، از این که شما

را در زمین فرو برد، پس ناگاه زمین به لرزه افتاد. یا از (قهر) کسی که در

آسمان است، ایمن شده‌اید که تندبادی از سنگریزه بر شما فرو فرستد.

پس به زودی خواهید دانست که بیم دادن من چگونه است.

نکته‌ها:

□ محتوای این دو آیه، شبیه آیه ۶۵ سوره انعام است که می‌فرماید: به مردم بگو: او قادر است که از آسمان یا زمین بر شما عذابی نازل نماید. «قل هو القادر على ان يبعث عليكم عذاباً من فوقكم او من تحت ارجلكم»

□ «حاصل» به معنای تند بادی است که سنگریزه به همراه دارد.

□ نمونه فرو رفتن در زمین را در آخر سوره قصص درباره قارون می‌خوانیم که می‌فرماید: «فخشنا به» و نمونه نزول سنگریزه از آسمان را در ماجرای قوم لوط می‌خوانیم که فرمود: «اَنَا اَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ حَاصِبَاً»^(۱)

□ قدرت خداوند در آرامش بخشیدن به زمین، جلوه‌ای از فرمانروایی اوست که در ابتدای سوره خواندیم: «بِيَدِهِ الْمَلِكُ وَ هُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»^(۲)

□ احتمال تغییر و دگرگونی در هستی، انسان را از مغروز شدن و تکیه کردن به دنیا نجات می‌دهد. مولوی در مثنوی در این باره شعر زیبایی آورده است:

لشگر حقندگاه امتحان	جمله ذرات زمین و آسمان
آب را دیدی که در طوفان چه کرد	باد را دیدی که با عادان چه کرد
و آنچه با قارون نمودست این زمین	آنچه بر فرعون زد آن بحر کین
و آنچه پشه کله نمرود خورد	و آنچه آن بایبل با آن پیل کرد
گشت سیصد پاره و لشگر شکست	و آن که سنگ انداخت داودی بدست
عاقلانه یاری پیغمبران	گر بگوییم از جمادات جهان
گر کشد عاجز شود از بار پر	مثنوی چندان شود که چهل شتر

پیام‌ها:

- ۱- قهر و کیفر خداوند، تنها در قیامت نیست. «إِنْتَ... أَنْ يَخْسِفَ بِكُمُ الْأَرْضَ»
- ۲- هیچ کس خود را از قهر خدا در امان نداند و هر لحظه احتمال نزول قهر

هست. «ءامِنْتُ مِنْ فِي السَّمَاوَاتِ»

۳- آسمان، مرکز فرماندهی و تدبیر الهی است. «مِنْ فِي السَّمَاوَاتِ»

۴- آسمان، مرکز مأموران مطیع و تحت امر خداوند است. «مِنْ فِي السَّمَاوَاتِ»

۵- نظام حاکم بر طبیعت با اراده او است و هر لحظه می‌تواند آن را تغییر دهد.

«يَخْسِفُ بِكُمُ الْأَرْضَ»

۶- قهر الهی ممکن است از زیر پای انسان باشد و او را در زمین فرو برد. «يَخْسِفُ بِكُمُ الْأَرْضَ» یا از بالای سر او، از آسمان نازل شود. «يَرْسَلُ عَلَيْكُمْ حَاصِبًاً»

۷- دست خداوند، باز است. هم می‌تواند از آسمان باران فرستد: «يَرْسَلُ السَّمَاءَ عَلَيْهِ مَدْرَارًا» و هم می‌تواند از آسمان سنگ ببارد. «يَرْسَلُ عَلَيْكُمْ حَاصِبًاً»

۸- تهدیدات الهی را جدی بگیریم. «فَسَتَعْلَمُونَ كَيْفَ نَذِيرٌ»

﴿۱۸﴾ وَلَقَدْ كَذَّبَ الظَّالِمُونَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرٌ ﴿۱۹﴾ أَوَلَمْ

يَرَوُا إِلَى الظَّيْرِ فَوْقَهُمْ صَافَّاتٍ وَيَقْبِضُنَّ مَا يُمْسِكُهُنَّ إِلَّا

الرَّحْمَنُ إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ بَصِيرٌ

همانا کسانی که قبل از آنان بودند، انبیا را تکذیب کردند، پس (بنگر که) کیفر من

چگونه بود. آیا پرندگانی را که بر فراز آنان، در حالی که بالهای خود را گستردۀ

و جمع می‌کنند (و در پروازند) نمی‌بینند؟ هیچ کس جز خداوند رحمن آنها را (در

آسمان) نگاه نمی‌دارد. همانا او به هر چیز بینا است.

نکته‌ها:

■ پرندگان با دارا بودن حرکات دسته جمعی و طی مسافت‌های طولانی در چهار فصل، نشستن‌ها و پروازهای متوالی و بدون محدودیت مکانی، اما عدم سقوط و تصادم با یکدیگر، نشانه‌هایی از عظمت و قدرت الهی هستند.

■ کلمه «صافات» به صورت اسم فاعل آمده است، یعنی پرنده با بالهای باز پرواز می‌کند ولی کلمه «يَقْبِضُنَّ» به صورت فعل آمده، زیرا پرنده گاهی بالهای خود را جمع می‌کند.

پیام‌ها:

- ۱- تهدیدهای خداوند را جدی بگیریم. (قهر خداوند درباره پیشینیان عملی شده است، قارون به زمین فرو رفت و بر قوم لوط از آسمان سنگریزه بارید. پس شما از تاریخ آنان عبرت بگیرید). «فكيف كان نكير»
- ۲- خداوند، پیامبرش را در برابر تکذیب مردم دلداری می‌دهد. «لقد كذب الذين من قبلهم»
- ۳- تاریخ گذشته، چراغ راه آیندگان است. «كذب الذين من قبلهم»
- ۴- تکذیب انبیا، رمز قهر الهی است. «كذب... فكيف كان نكير»
- ۵- ابزارهای مادی شما را مغرور نکند. (گرچه پرنده از طریق بال زدن پرواز می‌کند ولی آنچه او را در هوانگاه می‌دارد، قدرت خداوند است). «ما يمسكهن إلا الرحمن»
- ۶- هیچ چیز را برای خدا شریک قرار ندهید. «الله الرحمن»
- ۷- نعمت‌های الهی بر اساس رحمت است. «ما يمسكهن إلا الرحمن»
- ۸- نظام هستی، زیر نظر خداوند اداره می‌شود. «إنه بكل شيء بصير»

﴿۲۰﴾ أَمَنْ هَذَا الَّذِي هُوَ جُنْدُ لَكُمْ يَنْصُرُكُمْ مِنْ دُونِ الرَّحْمَنِ إِنَّ
الْكَافِرُونَ إِلَّا فِي غُرُورٍ ﴿۲۱﴾ أَمَنْ هَذَا الَّذِي يَرْزُقُكُمْ إِنْ أَمْسَكَ
رِزْقَهُ بِلَحْوًا فِي عُنْتوَنَّ وَنُفُورٍ

یا کیست این کسی که سپاه شمامست و شما را در برابر (قهر) خداوند رحمن یاری می‌دهد؟ کافران جز در فربت نیستند. یا کیست آن که اگر خداوند رزقش را قطع کند به شما روزی دهد؟ بلکه آنان در سرکشی و فرار (از حقیقت) لجاجت می‌کنند.

نکته‌ها:

- در آیات قبل سخن از قدرت الهی در زمین و آسمان بود. او می‌تواند به زمین فرمان دهد که کفار را در خود فرو برد، او می‌تواند پرنده‌گان را در آسمان نگاه دارد و... این آیه عجز و

ناتوانی بشر را به رخ او می‌کشد که این انسان با تکیه بر کدام لشگر و با چه حمایتی این همه در برابر خداوند، لجاجت از خود نشان می‌دهد. گویا مشرکان از ناحیه بت‌ها برای خود نیروئی احساس می‌کردند.

- «غَرْوَر» به معنای فریب دهنده و «غُرُور» به معنای فریب است.
 - ابزارهای غرور متفاوتند و عامل آن شیطان است: «لَا يَغْرِّنَّكُمْ بِاللَّهِ الْغَرُور»^(۱) آرزوهای طولانی و وعده‌های اغفال گران و سیله غرورند.
 - در این دو آیه به عوامل بدبختی انسان اشاره شده است: غرور، لجاجت، سرکشی و فرار از حق. «عُتُّو» به معنای استکبار و تجاوز از حق است و «نفور» به معنای اظهار تنفر و گریز از حق است.
 - لجاجت، زمینه سرکشی و طغیان است و سرکشی، زمینه نفرت و فاصله گرفتن از حق.
 - تنها خداوند روزی رسان است. هم در دنیا روزی می‌دهد: «خَلَقْكُمْ ثُمَّ رَزَّقْكُمْ»^(۲) هم در برزخ روزی می‌دهد: «بَلْ أَحْيَاهُ عِنْدَ رَبِّهِمْ يَرْزُقُونَ»^(۳) هم در قیامت روزی می‌دهد.
 - «بِرْزَقُونَ فَهُمَا بِغَيْرِ حِسَابٍ»^(۴)

پیام‌ها:

- ۱- فرد مغدور را باید به ضعف‌ها و ناتوانی هایش متوجه نمود. «امن هذا الذي...»
 - ۲- یکی از ابزارهای غرور، داشتن لشگر و سپاه است. «جُند لَكُمْ يَنْصُرُكُمْ... إِلَّا فِي غَرْوَرٍ»
 - ۳- کافران با تکیه بر قدرت‌های پوشالی، گرفتار غرور و فریب می‌شوند. «جُند لَكُمْ يَنْصُرُكُمْ... إِنَّ الْكَافِرُونَ إِلَّا فِي غَرْوَرٍ»
 - ۴- خداوند مجبور نیست که رزق دهد، بلکه می‌تواند رزق دادن را قطع کند. «إِنَّمَا يَنْزَلُ مِنْ رَبِّكَ مَا يَرِيدُ إِنَّمَا يَنْزَلُ مِنْ رَبِّكَ مَا يَرِيدُ

.۱۶۹ آل عمران، ۳

۴۰ روم، ۲

١. لقمان، ٣٣

۴۰۴. غافر،

۵ - یکی از راههای توجّه به نعمت‌های خداوند، احتمال‌گرفته شدن نعمت‌ها است. «ان امسك رزقه» (در آیه‌ای دیگر از همین سوره می‌فرماید: «ان اصبح ماءکم غورا»^(۱) اگر آبها به عمق زمین فرو رفته بود و شما به آن دسترسی نداشتيدين).

﴿۲۲﴾ أَفَمَنْ يَمْشِي مُكِبًا عَلَىٰ وَجْهِهِ أَهْدَىٰ أَمَّنْ يَمْشِي سَوِيًّا
عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿۲۳﴾ قُلْ هُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ وَجَعَلَ لَكُمْ
السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَا تَشْكُرُونَ ﴿۲۴﴾ قُلْ هُوَ الَّذِي
ذَرَكُمْ فِي الْأَرْضِ وَإِلَيْهِ تُخْشِرُونَ

پس آیا کسی که به رو افتاده راه می‌رود هدایت یافته‌تر است یا کسی که ایستاده بر راه راست می‌رود؟ بگو: اوست کسی که شما را پدید آورد و برای شما گوش و چشم‌ها و دل‌ها قرار داد اما شما اندکی سپاس می‌گذارید. بگو: اوست کسی که شما را در زمین بیافرید و به سوی او محسور می‌شوید.

نکته‌ها:

- «مُكِبٌ» به معنای کسی است که به رو افتاده باشد و «انشاء» به معنای ایجاد همراه با ابتکار و «ذرأ» به معنای آفریدن و تکثیر نسل است.
- در این آیه کافر به کسی تشبیه شده است که به رو بر زمین افتاده باشد و بخواهد افتان و خیزان حرکت کند ولی مؤمن به کسی که راست قامت راه می‌رود، تشبیه شده است.
- کلمه «سمع» مصدر است و مفرد و جمع را شامل می‌شود و لذا نیازی به آوردن آن به صورت جمع نیست ف برخلاف «ابصار» و «افئده» که به صورت جمع آمده‌اند.
- کسی که از رو به زمین افتاده، دید ندارد، با زحمت و کند حرکت می‌کند، چون موانع راه را نمی‌بیند دست و صورتش آسیب می‌بیند، ذلیل و خوار می‌شود، دیگران می‌روند و او تنها

می‌ماند. ولی کسی که ایستاده حرکت می‌کند، عزیز است، تند و سریع می‌رود، موانع راه را از دور شناسایی و بررسی می‌کند، لذا سالم می‌ماند و دیگران نیز با او همراهند.

▣ امام باقر علیه السلام فرمود: قلب چهار گونه است، اما قلب وارونه قلب مشرك است. سپس این آیه را تلاوت فرمود: «أَفْنِيْ مِيشِيْ مُكْبَّاً عَلَى وَجْهِهِ»^(۱)

▣ خودشناسی راهی برای خداشناسی است. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: گوش با استخوان می‌شنود و چشم با پیه می‌بیند. «جَعْلُ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ»

▣ با این که شکر ما در برابر نعمت‌های خداوند بسیار کم است، ولی خداوند نعمت‌هایش را از ما نمی‌گیرد. در دعای ماه رجب می‌خوانیم: «يَا مَنْ يَعْطِي الْكَثِيرَ بِالْقَلِيلِ» ای خدائی که در برابر عمل و شکر کم، عطای بسیار می‌کنی.

پیام‌ها:

۱- افراد لجوج و حق ستیز و حق گریز، به نوعی مسخ شده‌اند و به جای حرکت طبیعی مثل خزندگان حرکت می‌کنند. «بَلْ لَجَوَا فِي عُتُّ وَ نُفُور... مُكْبَّاً عَلَى وَجْهِهِ»

۲- راه اسلام، هموار و مستقیم و دارای مقصدی روشن است و اگر امت اسلامی بر این راه رود، راست قامت و سرافراز است. «مِيشِيْ سُوِّيَّاً عَلَى صَرَاطِ مُسْتَقِيمِ»

۳- خلق‌ت انسان بسیار مهم است به گونه‌ای که پیامبر مأمور می‌شود مردم را به مبدأ پیدایش و نعمتهای نهفته در آن پی در پی هشدار دهد. «قَلْ هُوَ الَّذِي انشَأَكُمْ... قَلْ هُوَ الَّذِي ذَرَأَكُمْ»

۴- آفرینش خداوند ابتکاری است، نه شبیه سازی از روی نمونه قبلی. «انشأكم»

۵- خدا همه ابزارهای شناخت را به انسان عطا فرمود تا با او اتمام حجت کند. (انسان‌های عادی تنها می‌شنوند و می‌بینند و عبرت می‌گیرند اماً انسان‌های برتر، مطالبی را از طریق دل دریافت می‌کنند). «جَعْلُ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئَدَةَ»

۶- شکر خداوند، تنها با زبان نیست بلکه شکر عملی که همان به کارگیری

۱. کافی، ج ۲، ص ۴۲۳.

صحیح نعمت‌ها است، لازم است. «قليلاً ما تشکرون»

۷- کسی که در آغاز خلقت شما را در زمین و از زمین آفرید، قدرت زنده کردن دوباره شما را نیز دارد. «انشأكم، ذرأكم... اليه تحشرون»

۸- خداوند در دنیا انسان‌ها را در زمین پخش می‌کند و در قیامت آنها را جمع می‌کند. «ذرأكم، تحشرون»

﴿وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴾۲۶﴾

إِنَّمَا الْعِلْمُ عِنْدَ اللَّهِ وَإِنَّمَا أَنَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ

و (کفار، پیوسته از روی استهzae) می‌گویند: اگر راست می‌گویید این وعده قیامت چه زمانی است؟ (به آنان) بگو: علم (به زمان قیامت) تنها نزد خداوند است و من تنها بیم دهنده آشکارم.

نکته‌ها:

- در قرآن، شش مرتبه جمله «متى هذا الوعد» از زبان مخالفان آمده است و پیامبر در پاسخ آنان می‌فرمودند: علم به قیامت فقط نزد خدا است.
- علم غیب دو نوع است: نوعی که خداوند به برگزیدگان خود عنایت می‌کند: «تلك من انباء الغیب نوحیها اليك»^(۱) یعنی آنچه گفتیم از خبرهای غیبی است که به تو وحی کردیم. و نوعی که فقط مخصوص خداست و حتی انبیای الهی به آن آگاهی ندارند، نظیر علم به زمان برپایی قیامت: «إِنَّا الْعِلْمُ عِنْدَ اللَّهِ» چنانکه در دعا می‌خوانیم: «بِحَقِّ عِلْمِ الَّذِي اسْتَأْثَرَتْ بِهِ لِنَفْسِكَ» به حق آن علمی که برای خود نگاه داشته‌ای.
- ندانستن جزئیات و زمان وقوع قیامت دلیل بر انکار کلیات آن نیست. اگر صدای زنگ در خانه بلند شد و شما کسی را که زنگ می‌زند نمی‌بینید، دلیل آن نیست که بگویید کسی پشت در نیست.

پیام‌ها:

۱- کافر به دنبال بهانه است. (سؤال کردن از زمان و قوع قیامت، طفره رفتن از اصل قیامت است). «مَنْ هَذَا الْوَعْدُ»

۲- دشمن از طریق طرح سؤال و تحقیر و استهزا در صدد تضعیف مکتب و رهبر آسمانی است و لذا انبیا را متهم به دروغ‌گویی می‌کنند. «مَنْ هَذَا الْوَعْدُ أَنْ كَنَّتْ صَادِقِينَ»

۳- هر دانستنی ارزش نیست (اگر زمان قیامت را بدانیم برای گروهی که به آن زمان نزدیک‌ترند، سبب وحشت و اضطراب و برای گروهی که با آن فاصله طولانی دارند، سبب غفلت و فراموشی می‌شود). «إِنَّا عَلَمْ عِنْدَ اللَّهِ»

۴- رسالت پیامبر اکرم ﷺ خبر دادن از غیب نیست، بلکه هدایت و هشدار است. «إِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُّبِينٌ»

۵- سخن پیامبران، روشن و بدون ابهام و پیچیدگی است. «نَذِيرٌ مُّبِينٌ»

۶- افراد مغورو و لجوج را باید با شیوه هشدار، ارشاد نمود و بشارت و تشویق درباره این گونه افراد کارساز نیست. «نَذِيرٌ مُّبِينٌ»

﴿۲۷﴾ فَلَمَّا رَأَوْهُ زُلْفَةً سِيئَتْ وُجُوهُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَقِيلَ هَذَا
الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تَدَعُونَ

پس چون آن (دوخت موعود) را نزدیک ببینند، چهره‌های کسانی که کفر ورزیدند، زشت و گرفته گردد و (به آنها) گفته شود: این است آنچه (در دنیا به عنوان تمسخر) می‌خواستید.

نکته‌ها:

■ کلمه «زلفة» به معنای نزدیک است، به سرزمین مشعر الحرام «مزدلفة» می‌گویند چون به مکه نزدیک است.

■ کلمه «تدعون» درخواست جدی و باعجله است. در آیه چهاردهم سوره ذاریات می‌خوانیم:

﴿يَوْمَ هُمْ عَلَى النَّارِ يَفْتَنُونَ ذُوقًا فَتَتَكَمَّلُ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تَسْتَعْجِلُونَ﴾^(۱) یاد کن روزی را که آنان با آتش شکنجه و عذاب شوند، شکنجه‌تان را بچشید، این همان است که با شتاب خواهان آن بودید و می‌گفتید: «ایان یوم الدّین»^(۲)

■ قرآن کریم در آیات متعددی به توصیف سیمای نیکوکاران و مجرمان در قیامت پرداخته است. درباره نیکوکاران می‌فرماید:

﴿وَجْهٌ يَوْمَئِذٍ مَسْفَرَةٌ ضَاحِكَةٌ مَسْتَبِشَرَةٌ﴾^(۳) در آن روز صورت‌هایی درخشان و خندان و شادمانند.

﴿وَجْهٌ يَوْمَئِذٍ نَاعِمَةٌ﴾^(۴) صورت‌هایی در آن روز، شاداب و باطراوتند.

﴿تَعْرِفُ فِي وَجْهِهِمْ نَصْرَةُ النَّعِيمِ﴾^(۵) در چهره‌های آنان خرمی و طراوت را درک می‌کنی.

اما در باره منحرفان و مجرمان می‌فرماید:

﴿وَوَجْهٌ يَوْمَئِذٍ عَلَيْهَا غَبْرَةٌ تَرْهَقُهَا قَتْرَةٌ﴾^(۶) بر صورت‌هایی در آن روز غبار و کدورت است، و سیاهی و تاریکی آن را فراگرفته است.

﴿وَجْهٌ يَوْمَئِذٍ خَاطِعَةٌ﴾^(۷) چهره‌هایی در آن روز ذلیل و فرو افتاده‌اند.

﴿تَلْفُحٌ وَجْهُهُمُ النَّارُ وَ هُمْ فِيهَا كَالْحُوْنَ﴾^(۸) شعله‌های آتش سخت به صورت‌هایشان می‌زد و چهره آنان عبوس و شکسته و دندانهایشان به واسطه سوختن لب‌ها نمایان است.

﴿وَخَنْثَرُهُمْ يَوْمُ الْقِيَامَةِ عَلَى وَجْهِهِمْ عَمِيًّا وَ بَكَمًا وَ صَمًا﴾^(۹) آنان را در قیامت کور و کر و لال و بر صورت‌هایشان محشور می‌کنیم.

﴿وَجْهٌ يَوْمَئِذٍ بَاسِرَةٌ﴾^(۱۰) صورت‌هایی در آن روز به شدت عبوس و درهم کشیده‌اند.

﴿يَوْمَ يَسْحَبُونَ فِي النَّارِ عَلَى وَجْهِهِمْ﴾^(۱۱) روزی که در میان آتش به رو کشیده شوند.

- | | | |
|---|--|---|
| .۳. عبس، ۳۷ - ۳۸.
.۶. عبس، ۴۰.
.۹. اسراء، ۹۷. | .۲. ذاریات، ۱۲ - ۱۴.
.۵. مطففين، ۲۴.
.۸. مؤمنون، ۱۰۴.
.۱۱. قمر، ۴۸. | .۱. ذاریات، ۱۳ - ۱۴.
.۴. غاشیه، ۸.
.۷. غاشیه، ۲.
.۱۰. قیامت، ۲۴. |
|---|--|---|

پیام‌ها:

- ۱- کفر در دنیا، سبب روسياهی در آخرت است. «سیئت وجوه الّذین کفروا...»
- ۲- در قیامت علاوه بر عذاب جسمی، عذاب روحی تحقیر نیز وجود دارد. «هذا الّذی کنتم به تدّعوْن»

﴿۲۸﴾ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَهْلَكَنِي اللَّهُ وَمَنْ مَعَى أَوْ رَحِمَنَا فَمَنْ يُحِبُّ
الْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابِ الْإِلَيْمِ

(ای پیامبر!) بگو: اگر خداوند من و کسانی را که با من هستند نابود کند، یا
بر ما رحم نماید، پس چه کسی کافران را از عذاب دردناک پناه می‌دهد؟

نکته‌ها:

- در روایات می‌خوانیم که کفار مکه آرزوی مرگ پیامبر اکرم ﷺ و مسلمانان را داشتند. این آیه می‌فرماید و بر فرض که آنان از دنیا بروند، چه کسی شما را از قهر خدا پناه خواهد داد؟ در سوره طور نیز این آرزو مطرح شده است: «ام يقولون شاعر نتریص به رب المنون»^(۱) آنان می‌گویند: محمد شاعری است که برایش حوادث تلخ و مرگ را انتظار می‌کشیم. در آیه ۱۲ سوره فتح نیز این آرزوی کفار مطرح شده است که پیامبر و مؤمنان از جبهه سالم برنگردد. «بل ظننتم ان لن ينقلب الرسول والمؤمنون الى اهليهم»
- می‌گویند کودکی گریز پای، مرگ استادش را از خداوند طلب می‌کرد، پدرش به او گفت: اگر می‌خواهی از درس و بحث خلاصی بابی، باید مرگ مرا از خداوند طلب کنی، زیرا اگر معلم امروز تو هم بمیرد، من تو را نزد معلم دیگری خواهم فرستاد.

پیام‌ها:

- ۱- شیوه احتجاج و گفتگوی با کفار را از وحی یاد بگیریم. «قل ارایتم...»
- ۲- پیامبر امین وحی است. «قل...» (حتی کلمه «قل» را حذف نمی‌کند.)

- ۳- در شیوه تبلیغ، گاهی حقایق را باید در قالب فرض مطرح کرد. «ان اهلکنی الله»
- ۴- کفار، همان گونه که نسبت به شخص پیامبر بغض و کینه دارند، نسبت به پیروان او هم کینه دارند. «اهلکنی الله و من معی»
- ۵- مؤمن باید بین بیم و امید زندگی کند. «اهلکنی الله... او رحمنا»
- ۶- هیچ چیز و هیچ کس نمی‌تواند مانع نزول قهر الهی بر کفار شود. «فن یجیر الكافرین من عذاب الیم» (شعار بعضی از کافران، «و ما نحن بمعذبین»^(۱) بود، یعنی ماگر فتار عذاب نمی‌شویم ولی قرآن می‌فرماید آنان به عذاب دچار می‌شوند.)
- ۷- کسی که برای اولیای خداوند آرزوی درد و هلاکت کند، به عذاب دردنای گرفتار خواهد شد. «عذاب الیم»

﴿۲۹﴾ قُلْ هُوَ الْرَّحْمَنُ ءَامَنَّا بِهِ وَعَلَيْهِ تَوَكَّلْنَا فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٌ ﴿۳۰﴾ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَا وُكِّمْ عَوْرَأً فَمَنْ يَأْتِيْكُمْ بِمَآءِ مَعِينٍ

بگو: او خدای رحمان است، ما به او ایمان آورده‌ایم و بر او توکل نموده‌ایم، پس خواهید دانست، کیست آن که در گمراهی آشکار است. بگو: به من خبر دهید اگر آب (چشمها و چاههای) شما در زمین فرو رود، کیست آن که آب روان و گوارا برای شما بیاورد.

نکته‌ها:

- ◻ زمین متشكل از بخش‌های نفوذپذیر و نفوذناپذیر است. اگر تمام قسمت‌های آن نفوذپذیر بود، آبی ذخیره نمی‌شد و اگر تمام زمین نفوذناپذیر بود، زمین به صورت باتلاق در می‌آمد.
- ◻ «غور» به معنای فرورفتن در عمق است و «معین» به معنای آسان و روان است.
- ◻ آخرین آیه به منزله تفسیر آیه قبل است. در آیه ۲۹ می‌فرماید: «قل هو الرحمن» و در آیه

۳۰، نمونه رحمت را آب روان، ذکر می‌کند. در آیه اول می‌فرماید: بر او توکل کردیم و در آیه بعد می‌فرماید: دلیل توکل بر او این است که اگر آب مورد نیاز به زمین فرو رود، هیچ کس نمی‌تواند آن را بیاورد.

▣ امام باقر علیه السلام (در تأویل آیه) فرمود: اگر امام شما غایب باشد چه کسی برای شما امام ظاهر می‌فرستد که اخبار آسمان‌ها و زمین و حلال و حرام را برای شما بگوید؟ «ان اصبح ماءکم غوراً...»^(۱)

پیام‌ها:

- ۱- پیامبر وظیفه دارد موضع خود را در برابر ناالهلان اعلام کند. «قل هو الرّحمن»
- ۲- در برابر کفار، دو عامل ایمان و توکل وسیله نجات شماست. «آمنا... توکلنا»
- ۳- توکل، شمره ایمان و ملازم آن است. «آمنا... توکلنا»
- ۴- ایمان به سرچشمه رحمت ارزش دارد نه به بتهای جامد. «هو الرّحمن آمنا»
- ۵- با توکل بر خداوند، کفار آرزوی خود را به گور خواهند برد. «علیه توکلنا فستعلمون...»
- ۶- پایان کار ملاک است نه آغاز آن. «فستعلمون من هو في ضلال مبين»
- ۷- ابتدا زیربنای اعتقادی خود را محکم کنید و بعد به تهدید دشمن بپردازید. «آمنا... توکلنا... فستعلمون...»
- ۸- قاطع و استوار سخن گفتن رهبر جامعه اسلامی سبب دلگرمی خودی‌ها و دلهره بیگانگان می‌شود. «قل هو الرّحمن... فستعلمون...»
- ۹- احتمال بروز خطر برای دوری از بی تفاوتی و غفلت کافی است. «إن اصبح ماءکم غوراً»
- ۱۰- دست خداوند در تغییر قوانین هستی باز است. «إن اصبح ماءکم غوراً»
«والحمد لله رب العالمين»

